عجبت
لمن یحتمی
الطعام
لأذیته
کیف
لا یجتنب
الذنب
لألیم
عقوبته

در شگفتم از کسی که از غذا(ی فاسد) به خاطر رنج و آزارش پرهیز می کند، امّا از «گناه»، به خاطر عذاب دردناکش پروا و پرهیزی ندارد!

دیدگاه

طرح موضوع تمدن نوین اسلامی بیانگر حرکت تکاملی انقلاب بود

پنجمین همایش ملی تمدن نوین اسلامی به همراه برگزاری نشست‌های تخصصی، کرسی‌های علمی-ترویجی، کارگاه آموزشی و ارائه مقالات برگزیده با شرکت اساتید و پژوهشگران حوزه و دانشگاه برگزار شد.

در افتتاحیه این مراسم، دکتر موسی نجفی، رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی با بیان اینکه دو نگاه نسبت به وضعیت فعلی کشورمان وجود دارد، گفت: نخست نگاهی که از سوی سیاسیون خارج از کشور القا می‌شود و آن هم این است که جمهوری اسلامی به دلیل مسائل اقتصادی، گرانی و تحریم در وضعیت انحطاط، فروپاشی، ناپایداری و سراشیبی سقوط قرار دارد؛ اما در مقابل این دیدگاه، دیدگاه اعتلا و تکامل است که رهبر معظم انقلاب با طرح موضوع تمدن نوین اسلامی آن را کلید زدند.

وی با بیان اینکه به نظر می‌رسد رهبر معظم انقلاب با طرح موضوع تمدن نوین اسلامی بحث تکامل را در انقلاب اسلامی کلید زدند، افزود: طرح موضوع تمدن نوین اسلامی هم پاسخی به اغراض سیاسیون داخل و خارج از کشور است و هم یک تئوری بدیل برای اینکه جامعه، کارگزاران و مدیران بتوانند یک وضعیت‌سنجی نسبت به پیش از انقلاب، انقلاب و آینده انقلاب داشته باشند.

رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی گفت: در قاعده تکامل ما باید خود را برای تحول آماده کنیم؛ اما باید بدانیم تحول در دولت اسلامی و جامعه اسلامی با چه ابزاری صورت می‌گیرد.

معتقدم طرح موضوعاتی همچون جنبش نرم‌افزاری، تحول علمی، تحول علوم انسانی، اقتصاد مقاومتی و سبک زندگی همگی بیانگر یک حرکت تکاملی در انقلاب اسلامی هستند.

دکتر نجفی با بیان اینکه برای تحقق عملی مباحث مرتبط با تمدن نوین اسلامی که در دانشگاه‌ها و از جمله دانشگاه شاهد مطرح می‌شوند باید راهی وجود داشته باشد تا دولتمردان و کارگزاران نظام هم با این مباحث انس بگیرند و هم آن‌ها را اجرایی کنند، اظهار کرد: هر دولتی که روی کار باشد اعم از اصول‌گرا و غیر اصول‌گرا نیازمند مباحث تمدنی و نظری است چرا که این مباحث مانند نخ تسبیح عمل می‌کنند و نبود آن‌ها موجب می‌شود هر عملی که کارگزاران انجام می‌دهند از هم گسسته شوند. با این اوصاف نباید به‌گونه‌ای عمل کنیم که مباحث مطرح شده در دانشگاه‌ها صرفاً به صورت نظری ارائه شوند و مسئولان اجرایی ما که در عرصه دولت‌سازی حضور دارند راه خود را بروند.

وی در پایان سخنان خود افزود: یکی از اهداف مهم انقلاب اسلامی بحث پیوستگی تمدن گذشته، حال و آینده اسلامی است؛ بنابراین باید به بحثی که رهبر معظم انقلاب به‌تازگی در زمینه تحول در شورای عالی انقلاب فرهنگی مطرح کردند از این منظر نگاه کنیم؛ چرا که هم‌اکنون مقصد ما که همان تحقق تمدن نوین اسلامی است مشخص است، اما راه‌های رسیدن به این مقصد، مراحل و راه‌های تحقق عملی آن هنوز مشخص نشده و ما دستورالعمل مشخصی در این زمینه نداریم؛ به این معنا که آیا همه دولتمردان ما باید یک جا به این بحث توجه کنند و یا هر وزارتخانه‌ای به صورت جداگانه تکالیف خود را انجام بدهد؟ پس باید این خلأ رفع شود و تقاضای این کار باید هر چه بیشتر از سوی دانشگاهیان خود را نشان دهد.

تازه‌های نشر

کتاب «علم اجتماعی اسلامی» منتشر شد

کتاب «علم اجتماعی اسلامی: بازآفرینی نظریه استاد مطهری» اثر مهدی جمشیدی در گروه فرهنگ‌پژوهی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی توسط سازمان انتشارات این پژوهشگاه به زیور طبع آراسته شد. مرتضی مطهری در کتاب «جامعه و تاریخ» می‌نویسد اسلام یک مکتب جامعه‌شناسانه نیست و هیچ‌یک از مطالب اجتماعی قرآن کریم با زبان و اصطلاحات علم اجتماعی مطرح نشده‌اند، امّا در عین حال تعداد زیادی از مسئله‌های علم اجتماعی به‌طور کامل قابل استنباط و استخراج از این کتاب آسمانی هستند. این اثر صورت تفصیلی و بسط‌یافته همین چند جمله بنیادی و راهگشاست و می‌کوشد در قالب فلسفه علم اجتماعی اسلامی، هم به چیستی و چرایی علم اجتماعی اسلامی بپردازد و هم از چگونگی ایجاد آن سخن بگوید. به این ترتیب، برای نخستین بار و به صورتی منسجم و سرشار از جزئیات، فهم و روایت مطهری از این شاخه از فلسفه‌های مضاف به علم، بازسازی شده است. در بخشی از مقدمه این اثر آمده است: موضوعِ این پژوهش به‌طور عام، «علم‌اجتماعی» و به‌طور خاص «علم‌اجتماعی اسلامی» است. علم‌اجتماعی، شاخه‌ای گسترده و مهم از علوم‌انسانی است و علم‌اجتماعی اسلامی نیز سنخ و صنفی از علم‌اجتماعی. علم‌اجتماعی همانند بسیاری از رشته‌های دیگر علوم‌انسانی، دربردارنده مجموعه‌ای از «رهیافت‌ها» است و در واقع، علم‌اجتماعی چیزی نیست جز انباشتی از همین رهیافت‌های گوناگون در کنار یکدیگر. از این زاویه، می‌توان «علم‌اجتماعی اسلامی» را رهیافتی در کنار سایر رهیافت‌های علم‌اجتماعی موجود شمرد، با این تفاوت که علم‌اجتماعی اسلامی به‌دلیل «دینی‌بودن»، با همه رهیافت‌های دیگر که سکولار هستند متفاوت است. مسئله از این نقطه شکل می‌گیرد که ما به «علم‌اجتماعی» حاجت قطعی داریم، ولی استفاده از علم‌اجتماعی موجود را روا نمی‌شماریم. از آنجا که برای شناخت و تدبیر جهان اجتماعی، «نظریه» در دست نداریم و جهان اجتماعی را نمی‌توان «در خلأ» و «فارغ از نظریه» سامان بخشید و راهبری کرد، بیش از یک سده است که در عمل، به «علم‌اجتماعی غربی» روآورده‌ایم و آن را «ترجمه» و «مصرف» می‌کنیم، اما این سنخ و صنف از علم‌اجتماعی، «سکولار» است و بر مبادی متعارض با دین به‌طور کلی و اسلام به‌طور خاص، بنا شده و راه‌حل‌ها و نسخه‌هایش نیز با ارزش‌ها و غایات جهان اجتماعی اسلامی، متضاد است. از این رو باید به‌دنبال ایجاد علم‌اجتماعی اسلامی باشیم و غفلت از این امر را مساوی با اضمحلال و فروپاشی جهان اجتماعی اسلامی بشماریم.

علم اجتماعی اسلامی
بازآفرینی نظریه استاد مطهری

گزارش

در کارگاه نقاشی «نقش سربند» حرم رضوی صورت گرفت

خلق آثاری ماندگار از اسطوره مقاومت ایران اسلامی

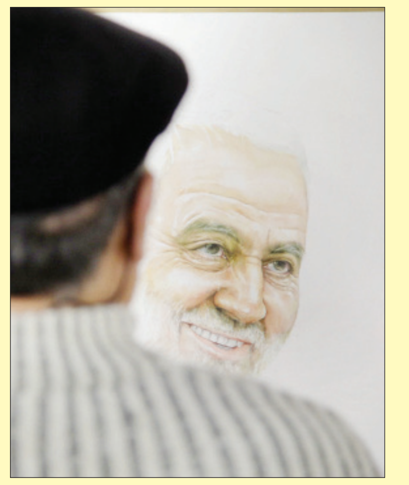

رواق «دارالمرحمه» حرم مطهر رضوی بار دیگر میهمان هنرمندان کشورمان است و آینه‌کاری‌های زیبای آن مملو از رنگ و نور شده، البته این دفعه، فضا به طور کامل متفاوت است؛ چراکه هنرمندان نقاش در حال خلق پرتره‌هایی خاص از سردار دل‌ها، شهید حاج‌قاسم سلیمانی هستند.

به گزارش آستان نیوز، در آستانه دومین سالگرد شهادت سردار حاج قاسم سلیمانی، کارگاه سه روزه نقاشی «نقش سربند» به همت مؤسسه آفرینش‌های هنری آستان قدس رضوی با همکاری بنیاد فرهنگی روایت فتح، از هشتم تا دهم دی ۱۴۰۰ از ساعت ۸ تا ۱۶ در رواق «دارالمرحمه» بارگاه ملکوتی امام هشتم(ع) در حال برگزاری است. در ادامه به محل برگزاری این کارگاه هنری می‌رویم و با تنی چند از استادان و هنرمندان کشور همکلام می‌شویم.

■ **حضور ۱۳ هنرمند از شهرهای مختلف**

محمدحبیبی، دبیر هنرهای تجسمی بنیاد فرهنگی روایت فتح می‌گوید: این کارگاه سه روزه در قالب یک برنامه مشارکتی با مؤسسه آفرینش‌های هنری آستان قدس رضوی با دعوت از ۱۳ هنرمند کشور از شهرهای بوشهر، قم، تهران، نیشابور و مشهد در حرم رضوی دایر شده است. به منظور بالا بردن ارزش علمی کارگاه نیز از دکتر کاظم چلیپا از تهران دعوت کرده‌ایم.

او با بیان اینکه آثار تولیدی با محوریت پرتره حاج قاسم سلیمانی در کارگاه «نقش سربند» در نمایشگاهی با این عنوان در معرض دید عموم قرار خواهد گرفت، می‌افزاید: امیدوارم برگزاری چنین برنامه‌هایی با مشارکت آستان قدس رضوی در مناسبت‌های مختلف ادامه یابد.

■ **اهمیت هنر نقاشی در فرهنگ‌سازی**

دکتر کاظم چلیپا، عضو هیئت علمی دانشگاه شاهد است که دبیری کارگاه را برعهده دارد. این استاد رشته هنر، از پایه‌گذاران هنر نقاشی در کشور است که سابقه فعالیت‌های بسیاری در حوزه‌های انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی نیز دارد.

او درباره انگیزه‌های حضورش در این کارگاه می‌گوید: ما به دنبال هر بهانه‌ای هستیم که خودمان را به حرم حضرت رضا(ع) برسانیم. در این میان، سالگرد شهید قاسم سلیمانی هم بود. مظلومیت و عرفان خاصی در رفتار و گفتار این بزرگمرد وجود داشت که به دل آدمی می‌نشست. همچنین ایشان صحبت‌های عمیقی داشت و شخصیت قابل احترامی بود که شهامت و شجاعتش مثال‌زدنی است. هنرمندان متعهد حاضر در این کارگاه از شهرهای مختلف می‌خواستند برای دومین سالگرد شهید سلیمانی کار خوبی انجام دهند. بدین ترتیب این کارگاه با محوریت خلق پرتره حاج قاسم سلیمانی شکل گرفت.

استاد چلیپا با اشاره به اهمیت و نقش هنر در فرهنگ‌سازی جامعه بشری تصریح می‌کند: نباید چنین برنامه‌هایی به برگزاری کارگاه و نمایشگاه آثار آن محدود شود بلکه در کنار این برنامه می‌توان چنین تابلوهایی را با آثار دیگر در مکان‌هایی همچون کشور عراق به نمایش عموم گذاشت و از جوانمردی و رشادت‌های حاج‌قاسم سلیمانی که در منطقه شهره بود، صحبت و او را بیشتر به جهانیان معرفی کرد.

■ **حس و حالی وصف‌نشدنی**

در ادامه به سراغ روح‌الله پروین، از هنرمندان حاضر در این کارگاه می‌رویم که در حال خلق اثری با آبرنگ و گواش است. او متولد خمین و ساکن شهر قم است که در خانواده‌ای هنرمند و فرهنگی پرورش یافته و پس از چندین سال سابقه در رشته خوشنویسی، از سال ۱۳۷۷ فعالیت خود را در رشته نگارگری نیز آغاز کرده است. این هنرمند نگارگر بیان می‌کند: در تمام تشرف‌هایی که به حرم مطهر رضوی داشتم، هیچ‌گاه تصور نمی‌کردم روزی بتوانم در این صحن و سرا بنشینم و نقاشی پرتره شهید حاج قاسم سلیمانی، عزیز دل امام رضا(ع) را بکشم. حس و حالم وصف‌نشدنی است. فضای هنری و معنوی حاکم در این مکان، تمامی هنرمندان حاضر را تحت تأثیر خود قرار داده و حس ورود به بهشت را داریم. امیدوارم عنایت حضرت رضا(ع) نیز شامل حالمان شود.

پروین می‌افزاید: هنرمندان سعی می‌کنند هر طور شده خودشان را به چنین برنامه‌هایی برسانند تا از این چشمه معنوی به ظرفیتشان افزوده شود. ما در این کارگاه، پرتره بزرگی را به تصویر می‌کشیم که از دیده شدن فرار می‌کرد، اما به یاد دارید که چه باشکوه مراسم تشییع پیکر این سردار شهید در کشور برگزار شد. این امر نشان می‌دهد نباید دنبال دیده شدن بود. به قول شاعر «توبندگی چو گدایان به شرط مزد مکن که خواجه خود روش بنده‌پروری داند».

■ **ترسیم روحیه لطیف سردار**

علی بحرینی، از دیگر هنرمندان کارگاه «نقش سربند» است که از بوشهر میهمان کارگاه شده است. او حدود ۳۰ سال سابقه فعالیت در هنر نقاشی دارد و در این کارگاه نیز با حس و حال خودش در حال خلق اثری با اکریلیک است. این هنرمند برایم می‌گوید: سعی کردم با استفاده از رنگ‌های آسمانی در این اثر، روحیه لطیف سردار شهید را به مخاطبانم نشان دهم.

او ادامه می‌دهد: نخستین تجربه خلق اثرم در حرم رضوی است و حس نزدیکی خاصی با آقا امام رضا(ع) دارم به‌ویژه که در حال کار روی چنین سوژه متفاوتی هستم.

بحرینی اضافه می‌کند: برگزاری کارگاه در رواق حرم رضوی، فضای خوبی برای زائران و مجاوران فراهم کرده تا از نزدیک با خلق یک اثر ارزشی آشنا شوند. ما نیز می‌توانیم حس و حال مخاطبان خود را در زمان خلق اثر درک کنیم.

■ **الگوسازی برای نسل جوان**

هنرمند بعدی که پای صحبت‌هایش می‌نشینیم، عباس گودرزی از تهران است. او با استفاده از لپ‌تاپ خود در حال ترسیم پرتره از سردار شهید سلیمانی است. گودرزی از سال ۱۳۷۳ مشغول فعالیت هنری است و از سال ۱۳۹۰ در حوزه نقاشی چهره شهدا و علما وارد شده و آثار بسیاری در این حوزه با تکنیک‌های مختلف خلق کرده است. به طور نمونه آثاری با تکنیک دیجیتال پینت در فضای وب منتشر کرده و خود را بیشتر هنرمند فضای مجازی و رسانه‌ای می‌داند.

او بیان می‌کند: دو سال پیش در روز قدس تجربه مشارکت در چنین کارگاه هنری در حرم مطهر رضوی را داشته‌ام و امسال نیز به برکت سردار شهید حاج قاسم سلیمانی این فرصت نصیبم شده است. از حس و حالش در این کارگاه می‌پرسم و او پاسخ می‌دهد: وقتی با وضو در چنین فضای معنوی می‌نشینیم و کار می‌کنیم، انرژی مثبت و خوبی می‌گیریم. البته کمی هم استرس دارم، چون در محضر امام رضا(ع) مشغول ترسیم چهره چنین شخصیت بزرگی هستم. امیدوارم به برکت فضای معنوی حرم امام رضا(ع) بهترین اثر تولید شود و کارمان در جامعه اثرگذار باشد و ما هنرمندان بتوانیم یک قهرمان و الگوی سالم را به جامعه به‌ویژه نسل نوجوان و جوان معرفی کنیم.

حکایت

شگفتا از شما مردم!

گویند: صاحبدلی برای اقامه نماز به مسجدی رفت. نمازگزاران همه او را شناختند؛ پس از او خواستند پس از نماز بر منبر رود و پند گوید. پذیرفت. نماز جماعت تمام شد. چشم‌ها همه به سوی او بود. مرد صاحبدل برخاست و بر پله نخست منبر نشست. بسم‌الله گفت و خدا و رسولش را ستود. آن گاه خطاب به جماعت گفت: مردم، هر کس از شما که می‌داند امروز تا شب خواهد زیست و نخواهد مرد، برخیزد! کسی برنخاست. گفت: حالا هر کس از شما که خود را آماده مرگ کرده است، برخیزد! باز کسی برنخاست. گفت: شگفتا از شما که به ماندن اطمینان ندارید اما برای رفتن نیز آماده نیستید!

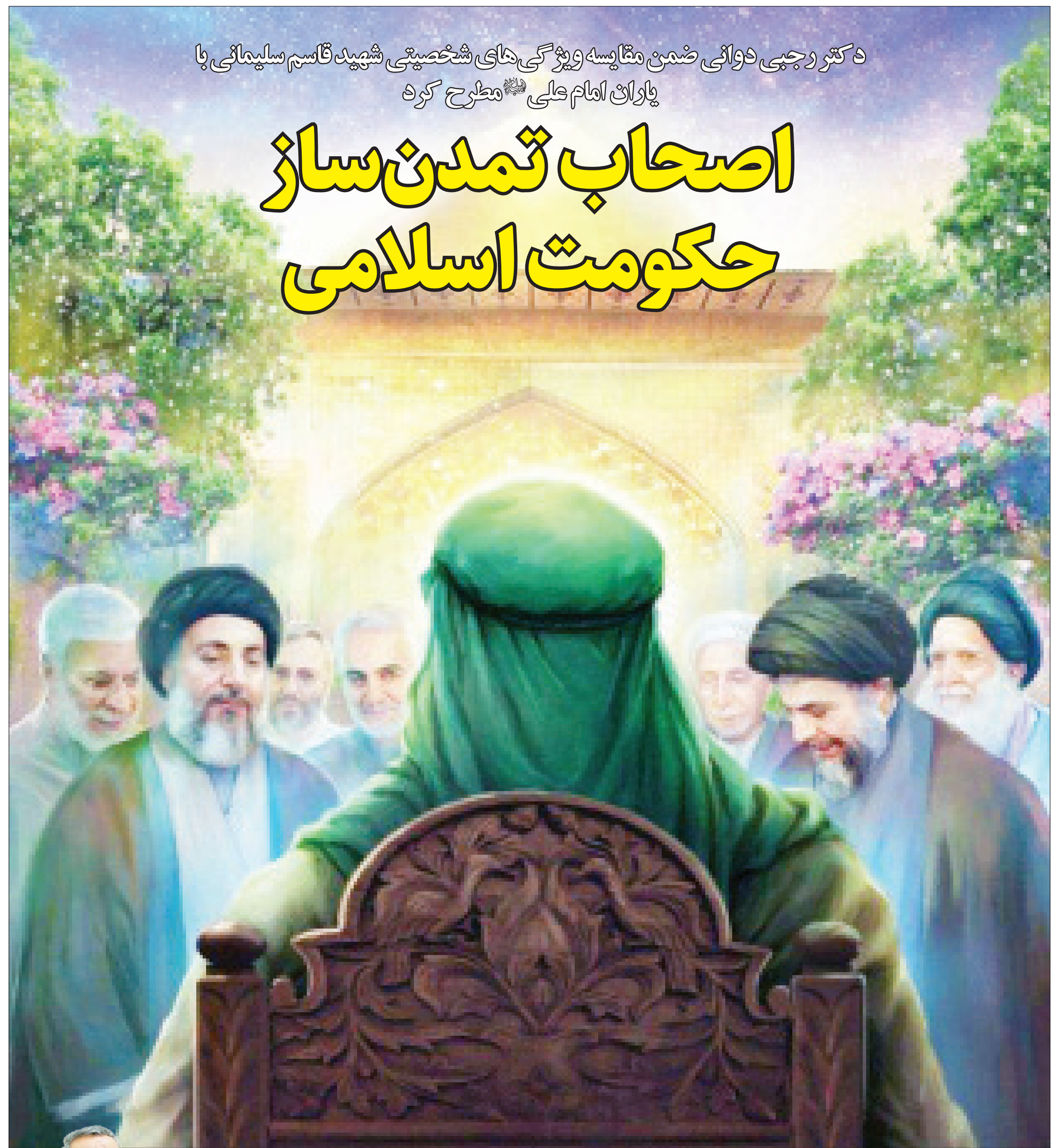

دکتر رجبی دوانی ضمن مقایسه ویژگی‌های شخصیتی شهید قاسم سلیمانی با یاران امام علی(ع) مطرح کرد

اصحاب تمدن‌ساز حکومت اسلامی

زینب اصغریان

مدتی پیش، چهارمین پیش‌نشست همایش ملی علمی پژوهشی «خوانشی تمدنی از مکتب شهید سلیمانی» به همت پژوهشکده شهید صدر برگزار شد. در این نشست، دکتر محمدحسین رجبی دوانی، پژوهشگر تاریخ اسلام و استاد دانشگاه تهران به مقایسه ویژگی‌های شخصیتی سردار سلیمانی با برخی از اصحاب خاص و برجسته امیرالمؤمنین حضرت علی(ع) پرداخت که در ادامه می‌خوانید.

■ **ایمان و اخلاص به سبک «سلیمانی»**

ویژگی‌های برجسته شخصیتی، اعتقادی و رفتاری شهید سلیمانی بسیار است. بنده در این فرصت به چند نمونه از این ویژگی‌ها اشاره و بعد مصادیقش را در اصحاب حضرت امیرالمؤمنین(ع) ذکر می‌کنم.

نخستین ویژگی شهید سلیمانی «ایمان و اخلاص» او است. می‌بینیم این ویژگی مورد ستایش رهبری هم قرار گرفته و کاملاً قابل مقایسه با بزرگانی مانند عمار، میثم تمار، مالک‌اشتر و حجر بن عدی است.

اگر زندگی‌نامه و شرح احوالات حاج قاسم را بخوانیم متوجه می‌شویم دقیقاً همچون این بزرگوارانی که مثال زدیم از ایمان و اخلاص بسیار بالایی برخوردار بوده‌اند که همین مسئله رمز اصلی سعادتمندی او و امثال او است.

■ **اعتقاد و باور به صاحب ولایت در زمان خود**

دومین ویژگی، «شناخت و معرفت و یقین به ولایت» است. اعتقاد سردار سلیمانی به ولایت و صاحب ولایت در زمان خود، در اوج بود. گذشته از اخلاص و معرفت فراوان به ساحت اهل بیت(ع)، نسبت به ولی زمان هم در اوج اعتقاد و باور بود.

دقت کنیم که حاج قاسم سه بار قسم جلاله می‌خورد: «والله! والله! والله! از مهم‌ترین شئون عاقبت بخیری، رابطه قلبی و دلی و حقیقی ما با این حکیمی است که امروز سکان انقلاب را به دست دارد»؛ این عین کلام حاج قاسم است. مرد بزرگی مثل ایشان که می‌داند قسم جلاله چه مسئولیتی دارد به این شکل و آن هم سه بار قسم جلاله می‌خورد.

چند سال پیش در ارتباط با خیانتی که برخی سیاسیون، در اوج فتنه‌انگیزی علیه نظام و ولایت داشتند، به رهبر انقلاب پیشنهاد دادند مثل امام(ره) که جام زهر را در جریان قطعنامه ۵۹۸ پذیرفت، جام زهر را بنوشند. این ماجرا برای حاج قاسم که شناخت و معرفت و یقین کامل به ولایت داشت به هیچ وجه قابل تحمل نبود. بنابراین در همان موقع این‌گونه واکنش نشان داد: «برخی‌ها در کشور برداشت غلط می‌کنند و این گونه، بر زبان جاری می‌کنند که چون امام(ره) در ماجرای قطعنامه و آتش‌بس جام زهر را نوشید، امامِ امروز هم باید این کار را انجام دهد... این چه غفلت بزرگی است و این چه قیاسی است؟ این جام زهر، جان اسلام، ایران و تشیع را می‌گیرد»؛ این مرد بزرگ، چنین نگاه و نظر بلندی داشت.

ما «مالک‌اشتر» را هم در جنگ صفین می‌بینیم. وقتی افرادی مثل اشعث بن قیس بر حضرت امیر(ع) سخت گرفتند که باید جنگ را متوقف کنی و پیشنهاد صلح دشمن را بپذیری، تنها «مالک» است که با صلابت و عظمت می‌ایستد و از حضرت امیر(ع) دفاع می‌کند. نام نیک مالک هم برای چنین مواردی در تاریخ ثبت می‌شود.

همین طور «عمار» در آغاز جنگ صفین. در نقل‌های تاریخی آمده برخی نیروهای حضرت امیر(ع) به تردید افتادند که آیا ما می‌توانیم با این‌ها بجنگیم؛ این‌ها هم مثل ما قرآن دارند، رو به قبله نماز می‌خوانند، یک نفر آمد و گفت: «من به تردید افتادم»؛ حضرت امیر(ع) فرمودند: «برو نزد عمار و از عمار سؤال کن». عمار با اوج اعتقاد به ولایت، به او گفت: «این پرچمی که دست حضرت علی(ع) است در بدر دست پیغمبر اکرم(ص) بوده و ما همراه او بوده‌ایم و آن پرچمی که دست معاویه است؛ این هم دست مشرکان در بدر بود و اصحاب ابی‌سفیان و مشرکان زیر آن گرد آمده بودند؛ معاویه، امروز هم در مقابل ولایت امیرالمؤمنین(ع) ایستاده است، همچون مشرکانی است که روبه‌روی پیامبر اکرم(ص) ایستاده بودند... من دوست داشتم این لشکر ۱۲۰ هزار نفری دشمن، تبدیل به یک تن می‌شد و من با یک ضربه شمشیر او را به هلاکت می‌رساندم».

■ **شهادت به دست شقی‌ترین اشقیا**

شهید حاج قاسم سلیمانی شوق شهادت داشت، واقعاً دنبال این بود که پایان کارش شهادت باشد. ما این ویژگی را علاوه بر عمار در «میثم تمار» هم ملاحظه می‌کنیم. میثم در همان سال شهادتش از مکه به مدینه آمد و نزد ام‌سلمه رفت. ام‌سلمه به وی گفت: «من از رسول خدا شنیدم که سفارشت را به امیرالمؤمنین(ع) می‌کرد». میثم که متوجه می‌شود امام(ع) بیرون مدینه است به او می‌گوید: «سلام مرا به امام(ع) برسانید... ظاهراً باید در قیامت در کنار حوض کوثر در پیشگاه خدا او را زیارت کنم». ام‌سلمه عطری به میثم می‌دهد و میثم آن را به محاسن خود می‌زند و می‌گوید: «مولایم به من خبر داده این محاسن از خون من رنگین خواهد شد». ام‌سلمه گفت مولای تو کیست؟ میثم گفت: مولای من امیرالمؤمنین علی(ع) است و ام‌سلمه گریست و گفت: «به خدا سوگند او مولای ما و همه پرهیزگاران است». میثم به کوفه آمد. در واقع به محل قتلگاه خود آمد - چون امیرالمؤمنین(ع) نخلی را که قرار بود بر آن به دار آویخته شود به میثم نشان داده بود. میثم هم مرتب می‌رفت پای این نخل نماز می‌خواند- همان‌جا هم به دست شقی‌ترین روزگار (ابن‌زیاد) به طرز فجیعی کشته شد و به آرزویش یعنی شهادت رسید.

جالب است حاج قاسم سلیمانی هم به دست شقی‌ترین افراد به شهادت می‌رسد. این کلام رهبر معظم انقلاب است که درباره شهادت حاج قاسم می‌فرماید: «ما شهید زیاد دادیم؛ اما شهیدی که به دست خبیث‌ترین انسان‌های عالم یعنی خود آمریکایی‌ها به شهادت برسد؛ چنین شهیدی غیر از حاج قاسم سراغ ندارم».

■ **مجاهدانه و به شوق شهادت زیستن**

حاج قاسم همیشه آماده جنگ و جهاد بود؛ در تمام سال‌های دفاع مقدس جنگید و وقتی جنگ پایان یافت تازه کار او آغاز شد. در سنگر فرماندهی سپاه جنوب شرق کشور وظیفه خود را به‌خوبی انجام داد و بعد در جایگاه فرماندهی نیروی قدس سپاه انقلاب اسلامی، مأموریت‌های خارج از کشورش آغاز شد. به تعبیر رهبر معظم انقلاب: «او همه عمر خود را در جهاد سپری کرد» و من فکر می‌کنم از این حیث «عمار» را می‌توان با او مقایسه کرد، حتی مالک‌اشتر با تمام عظمتش، عمدتاً در جهادهای زمان امیرالمؤمنین علی(ع) جلوه کرده است یعنی در صفین و پیش از آن در جمل بوده است. البته او در زمان فتوحات پیش از حضرت امیر(ع) حاضر بوده است. اما عمار از زمانی که اسلام در مکه پدید آمد و دشمنان علیه پیامبر برخاستند؛ در تمام جنگ‌های پیامبر حضور داشت و بعد هم در جنگ‌های حضرت امیر(ع) و درنهایت در جنگ صفین به شرف شهادت نائل آمد.

این شوق شهادت حاج قاسم هم تاحدی قابل قیاس با «حجربن عدی» است. «حجربن عدی» تاحدی در راه شهادت شوق داشت که حضرت خطاب به او گفته بود: «یا حجر، خدا شهادت را بر تو حرام نکرده است... که من گواهی می‌دهم تو از مردان شهادت هستی».

■ **ابراز علاقه و محبت شدید به مولا**

دوستی و علاقه متقابلی که بین حاج قاسم و رهبری وجود داشت میان هیچ کس دیگر ندیدم. وقتی رهبر انقلاب با او مواجه می‌شدند آغوش برایش می‌گشودند و وقتی کنار رهبری نشسته است؛ رهبری سر او را می‌بوسند، شاید معظم‌له این حالت را حتی نسبت به فرزندان خود نیز نداشته باشند و این وضعیت متقابل را در حاج قاسم هم ندیدیم که وقتی نزد رهبری می‌آید؛ چنان به وجد می‌آید که قابل وصف نیست. این وضعیت با «میثم تمار» قابل قیاس است. ما این ابراز علاقه‌ها از سوی حضرت امیر(ع) را فقط درباره میثم می‌بینیم. در نقل صریح است که حضرت و میثم سخت یکدیگر را دوست داشتند.

البته از «قنبر» هم نباید غافل شویم؛ ما او را به عنوان غلام حضرت امیر(ع) می‌شناسیم در حالی که او از اصحاب برجسته و بسیار نزدیک به امام علی(ع) بود. در کلام امام صادق(ع) درباره «عشق قنبر» به حضرت علی(ع) حکایت شده شب‌ها بدون اینکه حضرت امیر(ع) بداند پشت سر ایشان راه می‌رفت و با سلاح همراه خود حرکت می‌کرد که مبادا خطری متوجه امام علی(ع) باشد. در جنگ و صلح همراه علی(ع) بوده اما ما جز برای میثم تمار ابراز عشق و علاقه حضرت امیر(ع) را نمی‌بینیم.

«حارث همدانی» را هم داریم که عشق امیرالمؤمنین (ع)، او را بی‌تاب می‌کند، خواب را از او می‌رباید، سراغ حضرت امیر(ع) می‌رود که حضرت می‌فرماید: چه چیزی تو را این موقع شب به نزد من کشانده است؛ پاسخ می‌دهد: «حب شما من را بی‌تاب کرده است، ترسیدم تا صبح زنده نمانم، خواستم یک‌بار دیگر شما را از زیارت کنم».

از دست دادن «حاج قاسم» برای رهبری، همچون از دست دادن «عمار» و «مالک» و «ابن تیحان» و «خزیمه بن ثابت ذوالشهادتین» بود.

حضرت می‌فرماید: «أین عمار، أین ذوالشهادتین و...» و بعد در نبود آن‌ها می‌گرید و شما شاهد بودید رهبری در فراق حاج قاسم، در تشییعش در نماز بر او گریستند و در مواقع مختلف از او تجلیل کردند.

یقین دارم ان‌شاءالله هنگام ظهور همان گونه که در روایات ما آمده است «مالک اشتر بازمی‌گردد»، حاج قاسم سلیمانی هم بازخواهد گشت.

گزیده

حاج قاسم همیشه آماده جنگ و جهاد بود؛ در تمام سال‌های دفاع مقدس جنگید و وقتی جنگ پایان یافت تازه کار او آغاز شد؛ در سنگر فرماندهی سپاه جنوب شرق کشور وظیفه خود را به خوبی انجام داد و بعد در جایگاه فرماندهی نیروی قدس سپاه انقلاب اسلامی، مأموریت‌های خارج از کشورش آغاز شد. به تعبیر رهبر معظم انقلاب: «او همه عمر خود را در جهاد سپری کرد» و من فکر می‌کنم از این حیث «عمار» را می‌توان با او مقایسه کرد.

عکس‌نوشت

هدیه گل‌کاران بهبهانی به مشهد رسید

زیارت با عطر نرگس

رواق | سه روز پیش، خبرگزاری‌های استان خوزستان نوشتند: ۸هزار شاخه گل نرگس بهبهان برای اهدا به حرم مطهر امام رضا(ع) به مشهد مقدس ارسال شد. خبرگزاری صدا و سیمای مرکز خوزستان هم نوشت: «به شکرانه رویش گل‌های نرگس و براساس یک سنت حسنه، نرگس‌کاران بهبهانی همه ساله ۸هزار شاخه گل نرگس را به حرم مطهر حضرت رضا(ع) اهدا می‌کنند. این ۸هزار شاخه گل نرگس پس از گل‌آرایی توسط خادمان رضوی و نرگس‌کاران بهبهانی در روز هشتم دی ماه بر مضجع شریف و نورانی حضرت ثامن‌الحجج(ع) قرار می‌گیرد». حجت‌الاسلام ناصری، امام جمعه بهبهان هم گفته بود: «همه ساله نرگس‌کاران نخستین برداشت گل‌های نرگس را به پیشگاه امام رضا(ع) تقدیم می‌کنند. این آیین معنوی نشانه محبت و ولایتمداری و عشق مردم این سامان به خاندان وحی و امام هشتم شیعیان حضرت امام رضا(ع) است». صبح دیروز، نرگس‌های بهبهانی بالاخره به مشهد رسیدند و سر به آستان امام رئوف(ع) ساییدند تا عطر و بویشان با عطر ملکوتی حرم و نجوای زائران به هم بیامیزد. گفتنی است گل‌های نرگس یکی از جاذبه‌های گردشگری شهرستان بهبهان و استان خوزستان است. درشهرستان بهبهان ۵۰۰هکتار نرگس‌زار طبیعی و پرورشی وجود دارد و سالانه ۶۰میلیون شاخه گل از این نرگس‌زارها برداشت و به داخل و خارج از کشور صادر می‌شود.

عکس‌ها: مهدی جهانگیری

احب
الاعمال
الی الله
عز وجل
ما دوام
علیه العبد
و ان قل

محبوب ترین کارها نزد خدای متعال، عملی است که بنده بر آن مداومت و استمرار داشته باشد، هرچند اندک باشد.

روایت شفاهی

روایت مجاهدت‌های شهید سلیمانی در جنگ و مواجهه با اشرار از زبان نماینده پیشین ولی فقیه در سپاه قدس

شهید باقری «حاج قاسم» را کشف کرد

نماینده سابق ولی فقیه در نیروی قدس که حدود ۴۰ سال در کنار حاج قاسم بوده، روایتی متفاوت از زندگی و رشادت‌های سردار دل‌ها، از دفاع مقدس تا مبارزه با داعش و حتی کشف سردار سلیمانی در اوایل جنگ تحمیلی توسط حسن باقری بیان می‌کند.

حجت‌الاسلام علی شیرازی، جانشین سازمان عقیدتی سیاسی وزارت دفاع در گفت‌وگو با خبرگزاری فارس به روایت ماجرای ۴۰ ساله رفاقتش با سردار حاج قاسم سلیمانی پرداخته است. حجت الاسلام شیرازی زمانی که حاج قاسم فرمانده نیروی قدس سپاه شده بود، به عنوان نماینده ولی‌فقیه در این نیرو به همکاری با حاج قاسم پرداخته است. آنچه می‌خوانید گزیده‌ای از این گفت‌وگو درباره مجاهدت‌های حاج قاسم در بحبوحه جنگ تحمیلی و همچنین مواجهه با اشرار جنوب شرق کشور است که کمتر به آن پرداخته شده است.

■ **دیده‌شدن استعداد حاج قاسم در جنگ**

شهید سلیمانی پس از انقلاب در مرکز آموزش سپاه کرمان، آموزش پاسداران و رزمندگان را بر عهده می‌گیرد و برای اعزام به کردستان و جبهه، نیرو تربیت می‌کند. حاج قاسم با آغاز جنگ به خوزستان می‌آید. در دوران جنگ، تعدادی نیرو از کرمان به فرماندهی آقای گلزار به جنوب اعزام می‌شوند. آقای مهاجری به عنوان فرمانده گردان بود که قاسم سلیمانی به جبهه می‌رود و در آزادسازی آبادان شرکت می‌کند. حاج قاسم در گردان این آقایان بود.

پس از مدتی بسیاری از اطرافیان شخصیت حاج قاسم را درک می‌کنند. شاید بتوانیم بگوییم حاج قاسم را شهید حسن باقری کشف کرد. در اوایل جنگ، انسجام تشکیلاتی نبود؛ به طوری که افراد مختلفی به جبهه می‌آمدند و برخی را با توجه به سوابقی که داشتند، فرمانده می‌کردند. پس از مدتی، حسن باقری با دیدن استعدادهای حاج قاسم، پیشنهاد می‌دهد او فرمانده شود. پیش از عملیات فتح‌المبین، حاج قاسم را به عنوان فرمانده تیپ انتخاب می‌کند و محسن رضایی حکم فرماندهی به او می‌دهد و به این ترتیب حاج قاسم خودش وارد کرمان می‌شود و چند گردان ایجاد کرده و تیپ ثارالله را شکل می‌دهد.

برای نخستین بار در عملیات فتح‌المبین، حاج قاسم به عنوان فرمانده تیپ ثارالله وارد میدان جنگ می‌شود. سپس در عملیات بیت‌المقدس شرکت می‌کند. به مرور زمان، تیپ به لشکر ثارالله تبدیل شده و در پایان جنگ تحمیلی هم چند لشکر شکل می‌گیرد و سپاه هفتم صاحب‌الزمان در جبهه به وجود می‌آید.

این سیر تکاملی در جبهه تا سال ۶۶ اتفاق افتاد. وقتی حاج قاسم در لشکر ثارالله بود، من سال ۶۵ مسئول تبلیغات لشکر بودم و پیش از آن هم به عنوان روحانی در جبهه حضور داشتم. وقتی هم که سپاه هفتم ثارالله ایجاد شد، من معاون فرهنگی سپاه بودم و معاونت فرهنگی زیرنظر فرماندهی بود. به این ترتیب نیروی حاج قاسم بودم.

■ **وقتی امکان تشخیص تانک‌های ایرانی از عراقی نبود**

عملیات مرصاد و سپس عملیاتی در شلمچه بود که عراقی‌ها باب شلمچه را گرفتند و در جاده خرمشهر اهواز بودند. شاید در جنگ دو جا کار سخت بود. یکی عملیات کربلای ۵ بود. محوری که نیروها قرار بود حرکت کنند، محوری باریک و دو طرف آب بود. در شلمچه همزمان با عملیات کربلای ۵ در محورهای عملیاتی ترافیک سنگینی بود و هر لحظه صدای توپ و تانک شنیده می‌شد. یکی دیگر از موقعیت‌های سخت در دفاع مقدس، پایان جنگ پس از قطعنامه بود که فاو سقوط کرد و عراقی‌ها به سمت شلمچه حمله کرده و تا جاده خرمشهر آمدند. مقطعی وضع به‌گونه‌ای شد که فرماندهان تشخیص نمی‌دادند تانک ایرانی یا عراقی است. خاکریزی بود که یک سمت ایرانی‌ها و سمت دیگر عراقی‌ها بودند. در آن برهه لشکر ثارالله و لشکر المهدی با هم بودند. فرمانده لشکر المهدی سردار جعفر اسدی بود که به حاج قاسم می‌گوید: «این همه تانک داری، این‌ها را راه بینداز تا بروند جلو». حاج قاسم می‌گوید: «این تانک‌ها، مال ما نیست. مال عراق است». این وحشتناک‌ترین زمان جنگ بود که در آنجا شهید و اسیر زیادی دادیم.

■ **می‌گفت مردم جوان‌هایشان را دست من سپرده‌اند**

حاج قاسم نمی‌شد عملیاتی شکل دهد و خودش شناسایی نکند. می‌گفت مردم جوان‌هایشان را دست من سپرده‌اند. باید محافظ جان آن‌ها باشم؛ وگرنه روز قیامت باید جواب بدهم. شهید سلیمانی در عملیات کربلای یک در مهران، کربلای ۵ در شلمچه و خط عملیات در میدان جنگِ تن به تن، به نیروها غذای گرم می‌داد. وقتی در خط غذا را باز می‌کردیم، بخار از آن بلند می‌شد. گاهی هم کنار غذای رزمنده‌ها نوشابه قوطی‌ای بود. آن زمان نوشابه قوطی مرسوم نبود. سال ۷۲ برای تبلیغ به بندرعباس رفتم که برخی قشم رفته بودند و تعریف می‌کردند در قشم نوشابه قوطی‌ای دادند. اما حاج قاسم سال ۶۷ برای رزمنده‌ها کنار غذا نوشابه قوطی می‌داد و حتی به سایر لشکرها هم کمک می‌کرد.

■ **مأموریت مرد میدان پس از جنگ تحمیلی**

پس از اتمام جنگ تحمیلی، حاج قاسم به کرمان آمد. وقتی به کرمان آمد، سال ۶۸، ۶۹ علاوه بر فرماندهی لشکر ثارالله در کرمان، فرماندهی جنوب شرق کشور را به ایشان دادند. جنوب کشور که با افغانستان و پاکستان هم مرز بود، امنیت نداشت. برخی به دنبال جنس قاچاق و معامله سلاح بودند. اشرار در منطقه حضور پررنگی داشتند و برخی اوقات هم علیه جمهوری اسلامی قیام می‌کردند. حاج قاسم که وارد میدان شد، با نگاه مبارزه با اشرار و مردم اقدام نکرد. بلکه نگاه او نجات و درست کردن وضعیت اقتصادی مردم بود. حاج قاسم فرمانده کلاسیک بود. در جنگ جلوتر از نیروی شناسایی و اطلاعات بود. نیروی شناسایی و اطلاعات از خط اول خودی جلو می‌رود و پشت خط اول دشمن می‌رود تا دشمن را شناسایی کند. سپهبد سلیمانی در جنوب شرق هم همین قدر جلو بود. اشرار باور نمی‌کردند فرمانده است که در پیشانی گروه قرار دارد و می‌گوید «من آمده‌ام تا مشکل شما را حل کنم، چاه بکنم و آب برسانم تا شما کشاورزی کنید و تسلیم شوید».

سردسته اشرار سلاح‌ها را روی کول گرفته و می‌گوید «ما تسلیم حاج قاسم سلیمانی هستیم». وقتی به اشرار امان‌نامه داد و آن‌ها هم سلاح‌ها را تحویل دادند، خود حاج قاسم همراه نیروهایش چاه می‌کند و زمین کشاورزی دایر می‌کند تا وضعیت اقتصادی مردم را بهبود دهد. حاج قاسم قهرمان است و در آن برهه هم حماسه آفرید. او کسی را که ناامنی ایجاد کرده بود، حافظ امنیت ملی کرد. این اتفاقات تا سال ۷۴ ادامه داشت و نکته جالب اینجاست که خودش نظارت بر وضعیت مردم جنوب کرمان و سیستان و بلوچستان داشت.

شهید سلیمانی اوایل سال ۷۶ نامه‌ای به رهبر معظم انقلاب می‌نویسد: «کار من در جنوب شرق کشور به اتمام رسید. اگر شما صلاح می‌دانید کار دیگری انجام دهم». همان سال رهبری ایشان را به عنوان فرمانده نیروی قدس منصوب کردند.

حکمت

شریک مال مردم

آورده‌اند: یکی از پادشاهان فاضل، فرزندانش را چنین پند می‌داد: اگر می‌خواهید همه خلایق را با دادن مال، دوست خود گردانید خزینه خالی شود و این مقصود حاصل نشود، اما فروتنی کنید و روی خوش نشان دهید که همه خلایق دوست شما شوند، بدون آنکه از خزینه اموال شما چیزی کم شود. گنج خواسته را پایان است، اما گنج تواضع را پایانی نیست؛ چنان که از تواضع، دوستی بدست آید و از تکبر، هزار چندان دشمنی.